

نگرش حکیم بو علی سینا در تشخیص،**درمان و طب کلاسیک**

دکتر احمدعلی آقارفعی*

مرکز تحقیقات طب اسلامی

چکیده:

هر نکته ای که گفتم در وصف آن شمایل

هر کو شنید گفتا و لله در قائل

در عین گوشه گیری بودم چو چشم مست

و اکنون شدم به مستان بر ابروی تو مایل

گر چه شیخ الرئیس در فلسفه، اخلاق، هنر، ادبیات، مادیات، دولت و دین تاثیر گذاشته است اما در علم طب با این صنعت، به واسطه جامع نگری، او فقر ما، و پزشکی کلاسیک جهان، بیشتر نمود کرده است. اعتقاد بو علی به پروردگار و خلقت "وجود هر شیء"، به او زبانی گویا در تقسیم بندی و اساس (basic) بیماری ها داده است و تا کنون بسیاری از تقسیم بندی های طب داخلی از او مایه می گیرد. اما طب جدید عناوینی مانند: روح، نفس، ارکان، مزاج و ... را حذف نموده است در نتیجه در شناخت علل بسیاری از بیماریها و توجیه درمان قطعی آنها دچار بن بستهایی گشته است. در حالی که اگر مانند همه علوم علل غائی، صوری، مادی و فاعلی دقیقا در پزشکی نیز با پیشرفت تکنولوژی بررسی می گشت ما دچار بیماریهای صعب العلاج کنونی نمی شدیم.

در واقع با روش جامع نگری برای هر بیماری دارویی هست ولی با دید محدود شیء نگر هر قدر تخصص ها بیشتر می گردد فایده طب که درمان فوج بیماران است ضعیفتر خواهد شد.

او می فرماید: منشا همه علوم به سوی حکمت یا فلسفه اولی اوج می گیرد که آن را "مابعدالطبیعه" گویند. اگر طبیب نمائی گفتار دیگری در حق اثبات عنصرها و مزاجها و نتایج آنها که موضوع علم طبیعی است داشته باشد در واقع دو اشتباه مرتکب شده است. نخست آنکه چیزهایی را که به علم طب نسبت می دهد در آن وجود ندارد. دوم اینکه می پندارد چیزی را کشف کرده است در حالی که نکته تازه ای را بیان نکرده است. در حقیقت پایه دانش بوعلی بر علوم الهی استوار است و برخی از اقوال معصومین علیه السلام (مانند رساله هندیا یا کاسنی از نظر رسول اکرم صلی الله علیه و اله) را صرفا تحلیل نموده است لکن متاسفانه مجموعه طب اسلامی را به واسطه دسترسی نداشتن کامل به همه اقوال ایشان نتوانسته است بررسی نماید. ولی اکنون که توان ما در بررسی مجموع آثار بوعلی و سنت معصومین (علیه السلام) و قران کریم بیشتر است وظیفه ما نیز سنگین تر است تا بر اساس مقتضیات زمان و نیاز کشور عزیزمان در جهت سلامت جامعه، صنایع و تدابیر را به کار گیریم.

کلید واژه ها:

طب سنتی، طب اسلامی، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ابن سینا

* آدرس: تهران - میدان امام حسین - پاساژ شهرام - طبقه دوم - مرکز تحقیقات طب اسلامی

تلفن: ۰۲۱-۷۶۰۰۶۶۳

کد پستی: ۱۶۱۷۹۴۷۱۱۸

مقدمه :

اگر طب را جزء یکی از تقسیمات علوم بدنیم و طبیب را به قول پروردگار «پاک نماینده نفس» به حساب آریم، (۱) باید دقت نماییم که شناخت نفوس و بدن و هر آنچه به ما ارتباط دارد کار هر کس و هر مکتب نیست. نظام جاری طب غرب که به عنوان پزشکی کلاسیک و دانشگاهی در اکثر سرزمین ها تدریس می گردد چالش های بسیاری دارد که توضیح آن در متن مقاله می آید و باید گفت : در مجموع انتظار اکثر انسانها را بر نیاورده است.

مقاله:

مشکلات پزشکی و درمان جدید

توجه نکردن به بدن در جهت یک «کل» به گونه ای که مانند دکارت کل را جمع جبری اجزاء بدانند و همه خصوصیات و حیثیات را در آن بخواهند پیاده نمایند سبب می گردد که بدون مقدمه وارد تشخیص و درمانهای تسکینی شوند. در حالی که خود کل مستقلاً حیثیتی دارد و هستی را منحصر به تنها محسوسات متکثر مستقل از هم نمی دانند. در طب سنتی ابتدا کل انسان یا به اصطلاح بدن مورد توجه قرار می گیرد و بعد از اصلاح و ایجاد تعادل مزاج و طبایع به درمان هر عضو به طور جداگانه پرداخته می شود. (۲)

جدایی از این معیارها سبب اشتباه در تشخیص و درمان می گردد. این موضوع مشکل عمده ای را در بسیاری از بیماری ها به خصوص چند علتی ایجاد می کند.

مبانی اصیل طب سنتی و اسلامی از ابتدای خلقت پیامبران نیاز بشری را در پیشگیری و درمان برآورده است. با آمدن پیامبر اکرم به عنوان «طیباً دَوَّاراً بَطِیْه» پاکیزه ترین و سالم ترین جامعه اسلامی الگوگیری (۳) از ایشان آغاز شد و مغز متفکر جهان شیعه صادق آل محمد و طبیب الائمه امام رضا علیه السلام اصول و جزئیات طب را برای مردم مشخص کردند.

بوعلی و سایر دانشمندان بعد از او مطالب بسیاری را از ایشان الهام گرفته و رساله هُنْدِیَا او حدیث مشهور کاسنی را از قول حضرت رسول صلی الله علیه و آله بیان نموده است ، مستقلاً مصرف بدون شستشوی آن را تحلیل کرده است . او بعد از حکمت نظری در عملی (مدینه) تجربیات فراوانی اندوخته است که انسان را جداً از حقایقش سیراب می کند.

گر چه او به یک معنا هم عصر معصومین نبوده است و همچون ما که با گنجینه های علوم و ارتباطات قادر به دسترسی همه منابع هستیم نتوانسته است کلیه احادیث را ثبت و ضبط نماید اما در اصول دانش و بینش حکمت علمی ندرتاً به خطا رفته است، این در حالی است که طب جدید اساساً بسیاری از مبانی طب و بهداشت را کنار گذاشته است و بعد از آزمون و خطا در تجویز ، حکمت علمی (خلقیه و منزلیه و مدینه) را اغلب نادیده می گیرد.(۴)

ارتباط کم با طبیعت به علت جدایی اصول دیگر و رشد تکنولوژی هدایت نشده سبب ناهمگونی سیر پیشرفت علمی و تطبیق آن با درمان شده است. هستی ، انسان و طبیعت که اجزاء لاینفک هستند در یک هدف طولی و عرضی می توانند سیر منظم یابند، هرگاه یکی از دیگری سبقت گیرد فاجعه می آفریند. وسعت همه روزه بلکه هر لحظه جهان از نظر فیزیک هم ثابت شده است . اما آیا نباید ما طبیعت را درک نماییم و هماهنگی در این سرعت ایجاد کنیم !؟

اگر بیوتکنولوژی و میکرونوترینت و کشف ژنتیک سلول ها گسترش یافته است آیا پهنه طبیعت حتی سرزمین خودمان به همان نسبت شکافته شده است؟!

آشنایی و تحقیق در طبیعت پیشگیری قبل از درمان است. همه عناصر موجود بدن انسان در خاک هست، و هوا نیز در کنار آن بر عناصر و اعضاء بدن و طبیعت همزمان اثر دارد، در پزشکی جدید به ندرت این مباحث ساده و در عین حال بسیار

منظم لحاظ می‌گردد. شما هیچ گاه داروی بهار یا غذای آن فصل با پاییز را متفاوت نمی‌بینید. این در حالی است که مبانی طب اسلامی و نظرات بوعلی با دقت موشکافانه به این تفاوتها اشاره دارد. آب، هوا، عناصر موجود در آن‌ها گاهی آنچنان زیبا مورد تحلیل قرار گرفته است که انسان با وجود نبود امکانات تخصص و تکنولوژی پیشرفته کنونی از نتیجه گیری آنها تعجب می‌کند. البته رسیدن به همگونی و آرامش، نهایت مقصد این نظر حکیمانه است که در کمتر طبیعی وجود دارد. اجرای این مراتب و رفتارها سبب استقلال علمی می‌گردد، به قول علی علیه السلام: «داؤوا مرضاکم بعقایر دیارکم» گل و گیاه پیام آوران درمان و سلامت در هر سرزمین هستند. در این مخلوقات اولین اثر، تأثیر روحانی و بعد جسمانی، سمی و کشنده است. گیاهان دارویی مصلح خویش را که اثر ایاتروژنیک آن را می‌کاهد اغلب با خود دارند، اگر چه بوعلی مواد معدنی و ترکیبی بسیاری تجویز نموده است و اغلب به دست خویش آنها را به بیماران می‌داده است ولی اولین قدم در شناخت دارو و درمان رعایت مزاج بوده است. طبیعت دارو چیزی است که در پزشکی کلاسیک لحاظ نمی‌گردد و صرفاً به برخی از فرمولاسیون‌ها و مواد مؤثر درمان بیماری در نظر گرفته شود. این نکات نیازی اصلی ما را در جهت درمان کاملاً برآورده نمی‌کند.

برای مثال گیاهان هر منطقه بر طبق مزاج ساکنان همان سرزمین رشد می‌کند، اما در مصرف مواد شیمیایی هر دارو را بدون رعایت مکان تجویز می‌کنند. گرچه ظاهراً در نقل و انتقالات این مواد تغییری به وجود نمی‌آید ولی گیاهان هر جا از نظر بو، طعم، رنگ، رطوبت و ماده مؤثر چه کیفی و چه کمی کاملاً متفاوتند.

آشنایی با این مواد کمیاب مانند هورمون‌ها، ویتامین‌ها و مینرال‌های فشرده و مواد ضد سرطان لازم است تا امکان دسترسی به درمانی سریع و آسان و ارزانتر را فراهم آورد. آزمایشگاه‌های ما می‌توانند به آنچه تا کنون دست نیافته اند مانند داروهایی که برای همه مزاج‌ها مفید باشند و درمان بیماری‌های شایع صعب‌العلاج مانند دیابت و بیماری‌های خونی و ... دست یابند. چندین داروی حاوی انسولین گیاهی و درمان‌کننده انواع دیابت و فشار خون و غیره وجود دارد که حتی یک بار تدریس و بررسی نشده است و ما جداً به تحقیق این منابع نیاز داریم. هنوز تحقیقات ما در مورد یک ماده مانند عسل کامل نیست.

اهمیت به علائم بالینی در طب سنتی و اسلامی چنان دقیق است که هنوز شرح حال رازی و بوعلی زبان حال با تجربه‌ترین متخصصین ما است. برای مثال از غلبه خون (غلظت، حجم، فشار خون) با حالت راه رفتن مورچه روی پوست، خالی شدن زیر پا، احساس ضربان، امتلاء (گاستریت، هپاتیت، اسپلینیت)، منگی و ...

و از نشو و نمای مو بر اعتدال مغز خبر می‌دهند؛ آنجا که بوعلی می‌فرماید: دوران نوزادی، مو زعفرانی آتشی، نوجوانی سرخرنگ، اووان بلوغ به سیاهی می‌گراید. در پیچش و صافی حد وسط است. رویش و جوان ماندن و سفید شدن موی نه زودتر و نه دیرتر از زمان طبیعی صورت می‌گیرد و بزودی طاسی به سراغش نمی‌آید.

یا علامت عشق؛ گودی چشم؛ نبودن آب چشم مگر وقت گریه کردن، بر هم زدن پلک، خنده که ناشی از لذت بسیار یا خبری خوش است، نفس بریده و سریع و آه بلند گریه میان شادی و غم هنگام اشعار عاشقانه، رطوبت اندام، نبض متغیر که می‌توان از روی آن معشوق را شناخت گرچه خودش نام او را فاش نسازد....

بعد از آن که به معشوق پی بردی و دیدی وصال عاشق به معشوق چاره‌ای نیست، کاری کن که مطابق دین و شریعت به هم برسند ما عاشق را دیده ایم که از لاغری یا فراتر نهاده و به حد پزمردگی رسیده و دچار بیماریهای بسیار دشوار و مزمن گشته و به تبهای طولیل المدت مبتلا شده است و همه اینها از ناتوان شدن نیرو بوده که از عشق کشیده ولی همین که به معشوق خود رسید و بعد از مدتی کوتاه شگفتی‌ها در او مشاهده کرده ایم: نیروی از دست رفته را باز یافته و فربه گشته و معلوم شد که مزاج انسان گوش به فرمان و مطیع پندارهای روانی است.

توجه کم به عرفان و بیماری های عصبی روانی سبب شده است معاینات و شرح حال کمتر ارزش پیدا کند. متخصصین ما عموماً به کلیات طب عمومی و کلینیک اهمیت نمی دهند و طبیبان عمومی نیز خود در بررسی دقیق این مسائل به خصوص رفتاری و روحی خود را به زحمت نمی اندازند به همین دلیل جامعه از پزشکان با تجربه و جامع نگر به تدریج خالی می گردد و بیماران سرگردان هستند. عملاً استفاده از تجربیات هیئت های علمی به طور کاربردی صورت نمی گیرد و مبتلایان نیز گاهی سالها نمی دانند نزد کدام پزشک باید بروند تا درد مزمنشان التیام یابد، زیرا پزشکی جدید و مکتب آلویاتی نسبت به نمایش سیر پاتولوژیک و ارتباط فیزیولوژی و تشریح و بافت شناسی و در نتیجه درمان توانایی لازم را به دست نیاورده است در این شرایط اقداماتی مانند گروه درمانی، کاردرمانی و رفتار درمانی به ندرت شکل می گیرد. (مشکلات درمان اعتیاد)

در طب کلاسیک به اقدامات قبل از تولد و نکات مؤثر در شیر مادران و پرورش طفل به خصوص از نظر کیفی بسیار کم توجه می گردد، به همین دلیل مسائل بلوغ و پیری و بحرانهای جسمی و روانی آنها بیشتر ناشی از دوران کودکی و نوجوانی و قبلی آن است چه در طب سنتی و کلمات بوعلی و جرجانی مطالب بسیاری در بهداشت و بهبود جسم و جان کودکان بیان شده است.

اگر شیر زن شیر دهنده بد و تند مزه باشد نباید تا خود غذایی (خوب) نخورده است به کودک شیر بدهد و علاوه بر شیر، جنبانیدن نوزاد به آهستگی و نوایی است که عادتاً برای خوابانیدن می خوانند. به هر نسبتی که در این دو عمل آمادگی بیشتری طفل پیدا کند، تن و روانش برای ورزش های بدنی و روانی آمادگی بیشتر می یابد.

شیر دادن در ابتدا نباید چندان زیاد باشد و مستحب است اولین شیرها توسط دایه دیگری باشد تا مزاج مادرش اعتدال یابد و ابتدا با نوشیدن (لیسیدن) عسل نوزاد خوراکش را آغاز کند.

کلام آخر؛ اگر شخص طبیب نمایی گفتاری دیگر در حق اثبات عنصرها مزاج ها و نتایج آنها که موضوع علم طبیعی است داشته باشد در واقع دو اشتباه مرتکب شده است؛ نخست آنکه چیزهایی را به علم طب نسبت می دهد که در آن وجود ندارد؛ دوم آنکه می پندارد چیزی را کشف کرده است در حالی که نکته تازه ای را بیان نکرده است.

نتیجه:

آنچه ضمن سالها تحقیق و پژوهش در طب اسلامی و سنتی و کلاسیک به دست آمده است، نشان می دهد بی توجهی به این پدیده ها سبب افزایش هزینه و پیچیدگی درمان و بهداشت و در نتیجه کاهش روند سلامت جامعه می گردد.

در حالی که با استفاده از صنایع جدید و تطبیق درمانهای طب اسلامی و سنتی مطابق نظرات معصومین و دانشمندانمانند حکیم بوعلی نتایج رضایت بخشی به دست می آید. بنابراین ما مسئولیم ارتباط پزشکی اجتماعی، محققین، متخصصین و دست اندرکاران بهداشت را مطابق فرهنگ جمهوری اسلامی ایران فراهم آوریم تا به راهکارهای علمی و اجرایی جدی برسیم.

۱- روضه کافی

۲- جدول مزاج ها ضمیمه مقاله

۳- «أُسُوَّةٌ حَسَنَةٌ»

۴- شیوع برخی از بیماری ها مانند ایدز، سرطان و کاهش ایمنی و اثرات بمبارانهای شیمیایی و مواد رادیو

اکتیو از این قبیل می باشد.

۵- القانون فی الطب (ابن سینا) ص ۲۰۵

۶- رساله و پژوهش خانم دکتر توکل

تاریخچه طب اسلامی	رازینانه
حضرت آدم علیه السلام	آثار و نقش حجامت
حضرت شیث علیه السلام	پختن گوشت در شیر
حضرت نوح علیه السلام	داروی نظافت نان سنگک
حضرت سلیمان علیه السلام	خرنوب (فلوس)
حضرت داود علیه السلام	برص
حضرت عیسی علیه السلام	عدس سیر خرما پیاز انجیر
قرآن کریم	انگور زیتون خیار انار و ...
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله	طیب دوار بطبه
حضرت فاطمه سلام الله علیها	طب النبوی - طب النبی
حضرت علی علیه السلام	بند آوردن خونریزی
امام صادق علیه السلام	رساله اربعماه
امام رضا علیه السلام	هزاران روایت (توحید مفضل)
امام جواد علیه السلام	طیب الاثم (رساله ذهبیه)
.... سایر معصومین علیهم السلام	سرطان

سرد مرطوب انواع مزاجها سرد خشک
 بلغم مرکب سوداء BLACK MUCUS

برقراری تعادل مزاج	غذای شور	ترید چرب
زمان غلبه	زمستان	پائیز
مثال	درنده کشته شده	گاو شیر ده بدون استرس
حالات روحی غلبه	حزن ، دشمنی نسبت به دوستان	ترس ، مجاهدت در برابر دشمن
مواد ایجاد کننده	کاهو ، ماست	عدس ، گوشت گاو، حبوبات تیره ، رنگ
منشأ از آن	آب	زمین (خاک)
علائم بیماری در اثر غلبه	ضعف جسم، مفاصل ، سنگینی حواس، کمی میل به غذای صبح ، ضعف معده (با خوردن ترشیجات) خواب زیاد، برص ، آروغ سفیدی ادرار ، خواب دیدن	ریزش مو، سرفه خشک، جذام ، سبکی سر، آبریزش ، تکرر و سوزش ، ادرار و تیرگی آن ، فلج ، خواب کم ، وسواس ، خیالات و مالیخولیا، سرطان ، سکتته
فواید و مراکز آن در بدن	معین خون در ریه	در استخوانسازی مؤثر در طحال و عبور آن از شکم و احشا و امعا است
درمان	راه رفتن و روزه عسل، زنجبیل، فلفل، کنجد، مصطکی ، عصاره های روغن زیتون مسهل بلغم، آب ولرم + نعناع + عسل + زیره + زنیان + رازیانه + مسهل بلغم (۹ روز آش + سنا)	زعفران، کم خوردن غذا بعد از عصر،کنجد و شکر ، شیر گاو با شکر ، کره ، موز ، بعد از گرفتن موم عسل اضافه نمودن یک چارک آن در یک سیر مصطکی، زنجبیل ، فلفل (۱۵ روز آش + سنا)

سرد مرطوب انواع مزاجها خشک
 سرد خون مرکب صفراء
 BILE BLOOD

ترشیجات	بر حسب نیاز از پختنیها و شیرینیجات	برقراری تعادل مزاج
تابستان	بهار	زمان غلبه
کودک شیرخوار		مثال
حرارت خضوع در برابر مافوق	حزن دشمنی نسبت به دوستان	حالات روحی غلبه
عسل، گوشت قوچ	پختنیهای با بخار کرفس، کباب گوسفند	مواد ایجاد کننده
آتش	عنصر طبیعی هوا	منشأ آن از
قرمزی، یرقان، تب، ریختن مو، درد گوش و شقیقه، خشکی مفاصل، سیاتالژی، بشورات، کورک درسر، زردی در دندان، حصبه و نوبه، درد دهان، خشکی دهان و بینی، لذت از نسیم سرد، عدم اعتدال، بیقراری، استفراغ صفراوی. خواب دیدن آتش و خورشید	خالی شدن زیرپا، گرفتگی، حواس پرتی، درد گلو و پیشانی، قرمزی چشم آبریزش، کندی ذهن، درد استخوان، گزگز پوست، ذات العجب، امتلا، هیاتیت و ورم طحال و دستگاه تناسلی، سردرد جلوی پیشانی	علائم بیماری در اثر غلبه
بازکننده ریه عروق و مجاری، ضد عفونی کننده، مراکز آن در کبد، کیسه صفرا، اضلاع (دنده های پهلو)	در تمام دستگاهها مؤثر است، مرکز آن کبد و عبور از سر، چشمها، گوشها، و سیستم تنفسی فوقانی	فواید و مراکز آن در بدن
پمادهای سرد و مرطوب، شکر سفید، چربی بز، خیار چمبر، هندوانه، تمر هندی، گل (گلاب)، حجامت، زیتون + ماء الشعیر، آب جوشیده سرد شده + عسل، مسهل صفرا (۵ روز آتش + آبدوغ خیار)	خوردن ترشیجات (سرکه، انار ترش. فصد، حجامت، صمغ عربی (آش آبغوره) سه روز، روز در میان پلو تخم مرغ، مربای گل	درمان